



رسانه تلویزیون؛ شمشیر

دو لبه

□ مهندس محمد جعفری

در شرایطی که سلطه گران نظام نوین جهانی سعی دارند زمینه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و سیاسی عرصه را بر نظام جمهوری اسلامی ایران تنگ کنند وحدت ملی حول محور ارزش‌های متعالی اسلامی می‌تواند زمینه را برای مایوس ساختن چندباره توطئه گران بین‌المللی و علی‌الخصوص صهیونیسم جهانی فراهم سازد.

برای تحکیم وحدت ملی و ایجاد جو و محیط سازنده فرهنگی و سیاسی یکی از مؤثرترین اهرم‌های حاضر، اهرم رسانه‌های گروهی به ویژه صدا و سیما می‌تواند نقشی بسیار بنیادین در این راستا ایفا کند. ایجاد امکان تضارب سالم و صحیح آرا، توسعه بحث‌های کارشناسانه، انعکاس نظرهای متعدد و مختلف مردم در عرصه‌های گوناگون می‌تواند کمک ارزنده‌ای برای مدیران جامعه بخصوص در سطوح کلان باشد.

مدیران و دست‌اندرکاران صدا و سیما علی‌الخصوص رسانه تأثیرگذار سیما نباید فراموش کنند که مسئولیت خطیر آنها فقط و فقط تهیه و افزایش برنامه‌ها و یا کانال‌های تلویزیون نیست، آنان مسئولیتی بسیار گران بر دوش دارند که اگر برآستی عظمت آن مسئولیت را دریابند حتی یک لحظه خواب بر چشمان آنان حرام خواهد بود.

تلویزیون ویژگی‌هایی دارد که آن را از سایر رسانه‌ها در روش‌های ارائه اطلاعات متمایز می‌کند و به علامت ارتباط مستقیم و فوری با بیننده و نشان دادن رویدادها به هنگام وقوع رسانه‌ای بی‌رقیب محسوب می‌شود. در واقع تلویزیون قادر است در یک زمان بسیار کوتاه نقش خطیر و مهم آموزش، تبلیغ و تکمیل اوقات فراغت تماشاگران را ایفا کند و در عین پیچیدگی می‌تواند از جذاب‌ترین زبانهای ارتباطی هنری و اجتماعی بهره بگیرد و به این ترتیب بی‌آنکه تماشاگر خواسته و یا دانسته باشد، او را مجذوب و مدهوش پیامی کند که در فرایند برنامه‌هایش به او القا می‌کند.

اصولاً نقش تلویزیون و ماهیت این رسانه، به نوعی تقویت فردگرایی در تماشاگر است یعنی این رسانه می‌تواند و قادر است با هر کس به تنهایی ارتباط برقرار کند. اگر پنج نفر از اعضای یک خانواده بنشینند و با هم یک برنامه را ببینند مسلماً برداشت‌های مشابه و یکسانی نخواهند داشت بعبارت دیگر تلویزیون با تک‌تک افراد ارتباط بسیار نزدیک و تنگاتنگی برقرار می‌کند و متأسفانه این ارتباط یک سویه است، بنابراین می‌توان ادعا نمود که تلویزیون

موجب تقویت روحیه فردگرایی در جامعه می‌شود و در اینجا است که مسئولین و مدیران این رسانه باید دقت نمایند که با فراهم کردن لحظات بسیار آموزنده و در عین حال غیرمستقیم در بطن و متن برنامه‌ها، این نقطه تاریک و مستفی این رسانه را که می‌تواند اثرات زیان‌آوری در مخاطبین ایجاد کند، به حداقل برسانند.

اینکه از این رسانه تأثیرگذار فقط توقع سرگرمی و پر کردن ایام فراغت را داشته باشیم توقعی بیش از حد سطحی است و تأکید بر سرگرمی به نوعی تقلیل اهمیت و جایگاه این مهم‌ترین وسیله ارتباطی در بین جامعه تلقی می‌گردد، اما اگر به تنوع و گوناگونی مفهوم سرگرمی از دیدگاه تماشاگران این رسانه توجه شود اهمیت مطلب و جایگاه سرگرمی بیشتر مشخص خواهد شد ضمناً درک و مفهوم سرگرمی از دیدگاه کودکان شاید زمینه مناسبی برای دستیابی به معنا و اهمیت مقوله ایجاد فضای سرگرمی در برنامه‌های سیما از نظر بزرگسالان باشد.

در زندگی پر شر و شور و ماشینی و آپسین لحظات قرن بیستم زندگی کودکان هرچه بیشتر در چهاردیواری خانه ما خلاصه می‌شود و در میان انواع و اقسام وسایل سرگرمی که برای کودکان فراهم می‌شود، تبلیغ می‌شود، تلویزیون و علی‌الخصوص برنامه‌های مخصوص کودکان به دلایل گوناگو

حجم بیشتری از اوقات فراغت کودکان را پر می‌کند. اگر در برنامه‌سازی برای کودکان، سرگرمی بهانه‌ای برای آموزش و پیام‌رسانی و دستیابی به اهداف مهم‌تری از قبیل آشنایی کودک با مفاهیمی اولیه زندگی کردن باشد، آنوقت می‌توان ادعا نمود که این رسانه لااقل در این زمینه راهی موفق را پیموده است ولی این سوال مطرح می‌شود که آیا پنج کانال ایجاد شده در این ابتدایی‌ترین و در عین حال مهم‌ترین هدف خود به موفقیت‌هایی دست یافته است یا خیر؟!



آیا با ایجاد فضا و جوی که کودکان مشتاق کارتونها و فیلم‌های انیمیشن چون زور و یا فوتبالیست‌ها و ... بشوند و در این راستا شرکت‌ها و یا مؤسسه‌های تیز با انتشار عکس و پوسترهایی از قهرمانان این گونه فیلم‌ها و حتی یا عکس آنان بر لباس‌های کودکان سلول‌های ذهنی این سرمایه‌های آتی کشور را اشباع نمایند کاری صحیح و فرهنگی است؟! و یا اینکه خواسته و ناخواسته با دستان خود آنهم با سرمایه ملت این گوهرهای تابناک آتی مملکت را با فرهنگی جدای فرهنگ اسلامی و ملی خویش آشنا می‌نماییم و شوق گرایش به اصالت خود را در کودکان نابود می‌کنیم بعبارت

دیگر ما، مدیران فرهنگی جامعه که قوی‌ترین سلاح و ابزار را بدستمان داده‌اند صرفاً برای خوشایند گروهی همیشه ناراضی تیشه برداشته بر ریشه درخت حیات این جامعه اسلامی می‌زنیم. متأسفانه در اداره و ساخت برنامه‌های کودکان آنچنان لجام‌گسیخته شده‌ایم که جز تقلید، آنهم تقلیدی کورکورانه از برنامه‌های غربی، ظاهراً کاری از دستمان برنمی‌آید. زمانی تمامی لحظات برنامه‌های کودکان و نوجوانان را مملو و آغشته از سریال‌ها و کارتونها می‌ژاپنی می‌کردیم و دل خوش داشتیم که آنها لااقل چشمه فرهنگ مشرق زمین سیراب شده‌اند و آنچنان در این کار افراط کردیم که کودکان و نوجوانان بجای آموختن اسامی ائمه اطهار و یا با یادگیری مطالبی درباره بزرگان این مرز و بوم فقط و فقط اسامی قهرمانان کارتونها را چون فوتبالیست‌ها، پسر شجاع و ... فکر و ذهنشان را اشباع نموده بود و حال نیز می‌رویم تا زور و الگوهای این عزیزان گردند. امیدواریم که مسئولین سیمای جمهوری اسلامی

ایران از ما نخواهند که همچون مگس‌ان گرد شیرینی باشیم. از ما نخواهند که چون چاپلوسان در فکر کیسه مال افروزی خود و چون عاقبت‌طلبان که شکاف‌ها و ترک‌ها را بر پیکر جامعه مشاهده می‌کنند و دم فرو نمی‌زنند لب فرو بندیم و سکوت را برای خوشایند شما اختیار کنیم. ما شما را دوست داریم. ما می‌خواهیم شما متوجه باشید که چه می‌کنید. شما شمشیر بسیار بسیار تیزی بر دست گرفته‌اید و باید متوجه باشید که می‌خواهید با آن چه کار کنید. شما شایسته و بایسته است که چشمان خود را بیشتر باز کنید. شما باید گوش‌ها و چشمان خود را در برابر چاپلوسانی که فقط و فقط ثنای شما می‌گویند ببندید.

اعتقاد ما بر این است که بجای هدر دادن بودجه‌های کلان برای تهیه برنامه‌ها و سریال‌هایی که فقط همان چاپلوسان کاسه‌لیس از آنها تعریف می‌کنند و به آنها نمره قبولی می‌دهند بیایید گوشه‌ای از آن بودجه‌ها را صرف تهیه برنامه‌هایی با ارزش‌های اسلامی و ملی برای طبقه و نسل کودکان و نوجوانان و جوانان این مرز و بوم بنمایید. بیایید بجای اینکه مرتب نمای این ساختمان کهنه و فرسوده را رنگ بزنید آنرا از ریشه مستحکم کنید. بیایید بیشترین وقت و سرمایه را صرف نسل جوان این مملکت بنمایید. با این کار هم ثبات فرهنگی و هم سلامت جامعه را تضمین نمایید. البته، امیدواریم که در نظر داشته باشید که پرداختن به نسل کودک و نوجوان و جوان این مملکت به این معنا نیست که ایام فراغت آنها را با برنامه‌های فقط و فقط سرگرم‌کننده پر نماییم بلکه مسأله آموزش غیرمستقیم مسائل زندگی با توجه به طیف سنی آنها مد نظر قرار گیرد. به آنها یاد بدهیم که پدران و برادرانشان جنگی هشت ساله و ناخواسته را پشت سر گذارده‌اند، به آنان بیاموزیم که اگر از گذشته پدرانشان متفک شوند دیگر استقلال فکری، معنوی و مادی را در خواب هم نخواهند دید چه رسد به اینکه در شروع قرن پرتلاطم بیست و یکم با آنها مأنوس باشند.

ظهور و گسترش روزافزون تلویزیون این حساسیت را به ما می‌دهد که هرچه بیشتر در رابطه با تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم برنامه‌ها و سریال‌هایی که توسط افراد مختلف بمنظور سرگرمی و یا پر کردن فراغت و یا بسط و گسترش علم و دانش در بین تماشاگران و علی‌الخصوص نسل کودک، نوجوان و جوان این مملکت، کنجکاو و حساس باشیم رسانه تلویزیون به منزله دستاورد شگفت‌انگیز بشر سلاحی دولبه است. اگر با اهداف سازنده به کار گرفته شود به نشر دانش، مبارزه با بی‌سوادی، ایجاد احترام به حقوق بشر و ملت‌ها، تحکیم و حسرت ملی، تقویت تفاهم بین‌المللی و ترغیب توسعه اجتماعی و فرهنگی کمک می‌کند. اما، باهدف کاملاً متفاوتی نیز می‌تواند به کار گرفته شود، یعنی افراد یک مملکت بخصوص نسل نوجوان و جوان یک کشور را به انقیاد بکشاند، آنها را به طرف جنگ یا نژادپرستی سوق دهد. سر راه آزادی و حاکمیت مردم یک کشور مانع ایجاد کند، حامی بیگانگی فرهنگی باشد و اطلاعات غلط و مسائل دینی و اخلاقی را ترویج دهد.

هم اکنون در بیشتر جوامع تلویزیون جزئی از زندگی مردم شده است برای مثال در جمهوری کره عرضه برنامه‌های خارجی در تلویزیون ۸۹٪ است که از این درصد، حدود ۷۵٪ برنامه‌های خارجی آمریکایی و مابقی فرانسوی، ژاپنی و انگلیسی هستند. مردم جمهوری کره بطور معمول یک ساعت و بیست دقیقه در روز تلویزیون تماشا می‌کنند و ۹۱٪ برنامه‌ها تولیدات داخلی این کشور هستند و یا مردم فیلیپین ۳ تا ۵ ساعت در روز تلویزیون تماشا می‌کنند و کودکان این کشور بیش از سایرین مخاطب تماشای تلویزیون هستند. ورزش محبوب‌ترین برنامه در بین تولیدات داخلی این کشور است.

در فیلیپین در طول هفته ۷۵ تا ۳۰ دقیقه برنامه پخش می‌شود و حدود ۲/۳ برنامه‌ها تولیدات ملی و مابقی برنامه‌های خارجی هستند. امریکایی‌ها بزرگ‌ترین عرضه‌کننده برنامه در تمام رده‌های سنی برای تلویزیون فیلیپین

هستند و ۹۲٪ کل زمان پخش برنامه‌های خارجی را به خود اختصاص داده‌اند. ۹۴٪ فیلم‌های سینمایی که در فیلیپین نشان داده می‌شود آمریکایی می‌باشند ژاپن فقط ۴٪ برنامه‌های خارجی این کشور را تأمین می‌کند.

اما در کشور هندوستان وضعیت بگونه‌ای دیگر است. تلویزیون هند از نظر عرضه نرم‌افزار کاملاً به خود متکی است. بعبارت دیگر، تلویزیون هند ۹۵٪ تولیداتش را در داخل کشور تهیه می‌کند و فقط پخش اندکی از آن ۲/۲۷٪ از منابع خارجی تهیه می‌شوند و یکی دیگر از ویژگی‌های تلویزیون هند آن است که بندرت برنامه‌های تکراری پخش می‌کند.

چون آموزش و توسعه از اهداف اصلی تلویزیون هند است، هر روزه به مدت یکصد و پنجاه دقیقه برنامه‌های آموزشی پخش می‌کند که ۱۲٪ زمان عرضه و ۴٪ کل مصرف را تشکیل می‌دهد. هندوها بطور متوسط روزانه ۱/۵ ساعت تلویزیون تماشا می‌کنند که این نسبت از ۴۵ دقیقه در روزهای عادی تا ۴/۵ ساعت در روزهای تعطیل در نوسان است.

با توجه به آمار و ارقام ارائه شده و به استناد ضرب‌المثل «مشت نمونه خروار است» با اطمینان می‌توان نظر داد که تلویزیون قضای داخلی منازل مردم را اشغال کرده است و بعبارت دیگر تلویزیون فضای فکری و ذهنی افراد و در نتیجه مردمان یک کشور را زیر پوشش خود قرار داده است. حال با داشتن چنین ابزاری اثرگذار سطحی‌نگری است که از آن غافل باشیم.

جمهوری اسلامی ایران هم اکنون ۵ کانال تلویزیونی جهت داخل کشور و اخیراً یک کانال تلویزیونی بطریقه ارسال ماهواره‌ای برای کشورها خارجی در اختیار دارد ما مخالف افزایش کانال‌های تلویزیونی نیستیم ولی سخت مخالف کاهش کیفیت برنامه‌ها از جهات مختلف می‌باشیم. مناسب نیست که همه هم و غم خود را معطوف به افزایش آمار و ارقام برنامه‌های تولیدی و یا فرستادن تصویر بر آنتن نماییم ولی غافل از کیفیت کار خود باشیم.

اینکه مدیریت تلویزیون در سال ۱۳۷۶ تا چه حد در بالا بردن کیفیت برنامه‌های پنج کانال تلویزیونی موفق بوده است جای بحث و گفتگوی کارشناسانه‌ای را می‌طلبد. که در شماره آینده به آن خواهیم پرداخت ولی بطور اجمال باید اذعان نماییم که این اواخر برنامه‌های تلویزیونی رایجانه توجه به نسل جوان و جذب هرچه بیشتر بیننده، بسیار سطحی‌نگری و اهل تساهل و تسامح شده است. با نگاه به

سریال‌هایی که در سال ۱۳۷۶ روی آنتن رفته‌اند که ظاهراً شاخص آنها سریال امام علی (ع) تا کارتون‌های مخصوص بچه‌ها می‌باشند، به کلی اصل حفظ ارزشها و نفی مسائل ضد ارزشی را اگر نگوییم مدنظر نداشته‌اند، بسیار کم‌رنگ و بی‌اهمیت نشان داده‌اند. بطوریکه در تهیه بعضی از سریال‌ها و برنامه‌ها و مسابقات نمایشی و چیزی از سری برنامه‌های زمان طافوت نه تنها کم ندارند بلکه روی بعضی از آنها را نیز سفید کرده‌اند و همه چیز دارند جز! تلویزیون در امر ایجاد افتخار و تبلیغ مصرف کالاهای مختلف آنچنان ترک‌تازی می‌کند که دیگر هیچ رقیبی را برای خود باقی نگذاشته است و گویا فراموش کرده است که یکی از اهداف و ارزش‌های انقلاب اسلامی نفی چنین تبلیغات و فرهنگی بوده است.

اگر سیاست‌گذاران برنامه‌های تلویزیونی جمهوری اسلامی جریان دهنده ادامه چنین روندی باشند دیری نخواهد پایید که فرهنگ تلویزیون جمهوری اسلامی (منهای صحنه‌های شیخ و عریان مردان و زنان) و چیزی از برنامه‌های تلویزیون‌های غربی کم نخواهد داشت و انوقت است که بپرسیم چه می‌شود آن همه خون شهادتی که برای حفظ ارزش‌های اسلامی و مردانه در مقابل تهاجمات فرهنگی و اقتصادی و نظامی غرب ایستادند و جان و مال خود را فدای انقلاب نمودند؟! راستی چه کسانی باید جوابگو باشند؟؟؟

تئاتر ویژه کودکان: ۵ - ۱۰ ساله - تئاتر درمانی - برگزاری اردوهای هنری

تهران - صندوق پستی ۵۷۷۸ - ۱۴۱۵۵
تلفن و فاکس: ۷۵۲۱۳۶۹

هنر جو می‌پذیرد

هنر کده سینما تئاتر

طراحی

